

مسیح علی نژاد فعال مدنی و مدعی

حقوق زنان، بازیگر جلو صحنه امپریالیستها!



سحر صبا

مدت زمان زیادی نمی گذرد که دیدار خانم مسیح علی نژاد با وزیر امور خارجه آمریکا پمپئو به سر تیتر رسانه ها و مدیای جهانی تبدیل شد. این دیدار تعجب برخی را برانگیخت و سوال برانگیز شد، حتی برای بسیاری بخصوص ایرانیان چهره خانم مسیح ناآشنا بود. آنچه که نوشته می خواهد به آن بپردازد چرا در همچنین موقعیتی، خود فروخته ایهای امثال مسیح علی نژاد و ... از آستین امپریالیستها و سلطنت طلبان در دفاع از حقوق زنان و مردم ایران تحت عنوان فعال مدنی بیرون می آیند؟

جامعه ایران مدتها است آبهستن حوادثی است که توده های مردم ستمدیده که از استبداد چهل ساله رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به فغان آمده اند با اعتراضات و اعتصابات هر روزه و مبارزه ایی آشتی ناپذیر به ضدیت با رژیم پرداخته و کل نظام را به چالش کشیده و در حال متشکل شدن هستند. این حرکتها نه فقط نظام جمهوری اسلامی بلکه امپریالیستها را هم با خطر جدی مواجه نموده، بر این مبنا است که به فکر آلترناتیو سازی و جلو دوربین گذاشتن شخصیتهای کذائی اند، بلکه بتوانند جنبشهای اجتماعی در ایران را از مسیر واقعی منحرف نمایند.

این نوشته قصد دارد با استدلال و شواهد تاریخی بر مبنای واقعیتهای موجود جامعه ایران و پروسه مبارزه طبقاتی چهار دهه بر علیه نظام سرمایه داری اسلامی به نقد خانم مسیح و همکاران دلال امپریالیستی اش بپردازد و ضمن افشاء نمودن شگردهای ناشیانه خانم مسیح در خدمت به اربابان سرمایه جهانی، بازگو کننده این پیام باشد که این نوع خیمه شب بازیها در رابطه با جامعه ایران تاریخ مصرفش را از دست داده است.

خانم مسیح در مصاحبه اش با پمپئو وزیر خارجه آمریکا اینطور بیان میکند: " صدای مردمی که معمولا در مذاکرات سیاسی که منافع قدرت ها در میان است نادیده گرفته می شود. من می خواستم این صدا را به گوش مسئولین عالی رتبه آمریکایی برسانم. من از وزیر امور خارجه آمریکا در این دیدار خواستم از برگزاری یک انتخابات آزاد با نظارت بین المللی در ایران حمایت کند. از آقای پمپئو خواستم تا حقوق زنان، حقوق اقلیت ها و حقوق بشر در ایران را وجه المصلحه با جمهوری اسلامی قرار ندهد و کوشش کند کشورهای اروپایی را نیز متقاعد کنند که همواره نسبت به نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران حساسیت نشان دهند."

خانم علی نژاد با توجه به شرایط سنی اتان انقلابی که در ۵۷ بوقوع پیوست، و زنان نقش اساسی در به سر انجام رساندن این انقلاب را ایفاء نمودند را نه شاهد بوده ایی و نه تجربه کرده ای. زمانیکه امپریالیستها و بخصوص آمریکا از هراس انقلاب و تغییر و تحولاتش در ایران و منطقه، جمهوری اسلامی را با عوامفریبی و زور سرکوب و چماق حاکم نمود و دستاوردهای انقلاب در مدت کوتاهی با وحشیانه ترین شکل به یغما برده شد، اولین حمله و سرکوب اوباشان جهل و خرافه جمهوری اسلامی به اجتماع وسیع زنان در برگزاری هشت مارس ۵۷ که در تمام طول حکومت محمد رضا پهلوی برگزاری این مراسم برای زنان ممنوع بود صورت گرفت. از آن تاریخ مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی با پشتیبانی اربابان امپریالیستی که امروز شما دست به دامن آنها شده اید که از حقوق زنان و اقلیتها دفاع کنند، انقلاب را در نطفه خفه نموده، حق نفس کشیدن را از مردم سلب نمودند. هزاران نفر از فعالین کمونیست و آزادیخواه را زندانی و به جوخه های اعدام سپردند و هنوز هم خانواده هایشان نتوانسته اند گور عزیزانشان را پیدا کنند.

از آن تاریخ تا به امروز که چهار دهه از عمر ننگین بربریت سرمایه اسلامی میگذرد، زنان آزادیخواه همیشه برای خواسته های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مبارزه کرده و صحنه را ترک نکرده اند، و تا کنون بهای سنگینی برای این مبارزات هم پرداخته اند. اما به شما خانم میسج بر گردیم، تا آنجائیکه بیوگرافی شما در دو دهه گذشته بنا به شرایط سنی اتان گواهی میدهد، نه تنها در کنار این زنان و مبارزه اشان نبود، بلکه در مجلس هفتم بعنوان خبرنگار پارلمانی سر در توبره جمهوری اسلامی داشتی. در اختلاف بین جناحهای جمهوری اسلامی سر قدرت شما با دسیسه کروی و اصلاح طلبان مقاله ایی بر علیه احمدی نژاد که همراه با توهین به ایشان که رئیس جمهور وقت بود منتشر می نمایی، که با عذر خواهی کروی مسئله خاتمه یافته، و سر بزنگاهها سر از انگلستان در می آوری. اینجا هم برای دست یافتن به مقام و شهرت و چهره شدن با سوء استفاده از دفاع از حقوق زنان به تابلوی امپریالیستها تبدیل میشوی.

متاسفانه جنبشهای اجتماعی ایران بویژه جنبش زنان در طول عمر سیاه و ننگین حکومت جمهوری اسلامی شاهد این چهره سازیها و به انحراف کشیدن جنبش زنان بوده اما خوشبختانه با حضور زنان پیشرو و آگاه در صحنه مبارزه تا کنون خنثی شده است، هر چند که نفوذ اصلاح طلبان برای دوره ایی جنبش زنان را از مسیر واقعی مبارزاتی خارج ساخت و ضرباتی هم وارد نمود، اما به همت مبارزه طبقاتی و رسوا شدن اصلاح طلبان مبارزه جنبش زنان برای کسب خواستها و مطالباتش به ضد نظام زن ستیز جمهوری اسلامی تبدیل شد. امروز همچنان که شاهد هستیم جنبشهای اجتماعی از جمله: جنبش زنان در مبارزه هر روزه با رژیم درگیر است، اصلاح طلبان و سلطنت طلبان می خواهند بار دیگر شانس خود را با علم کردن مهره هایی مثل شما امتحان کنند. این را هم باید اشاره کنم که متاسفانه بخشی از اپوزیسیون چپ به شکل احزاب و سازمان از این حرکت شما به وجد آمده و با پشتیبانی از این پدیده امپریالیستی در آروزی دست یافتن به یک جامعه سکولاراند، اما دنباله سیاست آمریکا شدن، امید بستن به تغییر و تحول از بالای سر جنبش زنان بازتاب یک حقیقت عینی است و آن این است که چه سیاستهای امپریالیستی و چه این بخش از اپوزیسیون چپ نمی خواهند سیاستی اتخاذ شود که با دست بردن به مناسبات سرمایه، تغییر در ساختارهای سیاسی و اقتصادی را بدنبال داشته باشد.

با روی کار آمدن اصلاح طلبان خط سیاسی ای تحت نام گرایش لیبرالی بر جنبش زنان تاثیر گذاشت، این گرایش سیاست و راهکارهایی که در پیش گرفت همواره معطوف به اصلاحات آرام و تدریجی و متکی به تغییرات در چارچوب قانون بود. مدعیان خط مشی لیبرالی با تمام قوا سعی نمودند میسر جنبش زنان و جنبش توده ای مردمی ۸۸ را به نفع بورژوازی ایران که خود هم یک بخش از آن میباشند منحرف نموده و در مهار کردن آن نقش ایفاء نمایند. آنها با کمپین یک میلیون امضاء برای نفوذ و به انحراف کشیدن جنبش زنان به میدان آمدند، این کمپین یک میلیون امضاء نه نشانی از سانتر الیسم دمکراتیک داشت و نه، سازماندهی شبکه ای. خود این کمپین با تعریفی که از خود ارائه داده بود، میخواست جنبش زنان را در چارچوب قانونگرایی جمهوری اسلامی محصور نموده و از طریق اصلاحات آرام و چانه زنی از بالا تغییراتی مدنی و فرهنگی در جنبش زنان ایجاد نماید. در واقع خود این گرایش جزئی از همان نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی بود که نمی خواست جنبش زنان فراتر از مناسبات این نظام حرکت کند. اما زنان با شرکت گسترده خود در جنبش مردمی ایران نشان دادند که بدون

وجود آنها و برابری و خواست های حقوقی هیچ جنبشی دموکراتیک نخواهد شد، آنها بعنوان نصفی از جامعه بخصوص که یک بخش قابل ملاحظه از این جنبش شامل زنان کارگر است ثابت نمودند که هر تحرک و مبارزه ای برای رهائی از سایه شوم نظام دیکتاتوری اسلامی و ایجاد جامعه ای مبنی بر برابری و آزادی بدون آنها متحقق نخواهد شد. زنان به این ارزیابی رسیدند که راهکاری که بمدت یک دهه در جلو صحنه تحت نام جنبش مدنی، قرار گرفته بود و عده و وعید می داد و سعی میکرد حرکات اجتماعی زنان را سازمان بدهد، قادر نبود این جنبش را به اهداف برابری طلبانه اش برساند. جایگاه تازه ای که زنان در جنبش توده ای مردم ایران علیه دیکتاتوری نظام حاکم یافتند تحولی کیفی در سیر پیشروی جنبش زنان ایجاد کرد و همین موجب شد دوران مسلط شدن خط مشی لیبرالی در جنبش زنان در ایران بدرجه ای رنگ ببازد، و راه کارهای دیگری که تا کنون کمتر به تصور می آمدند و یا دشوار می نمودند ارائه داده شوند و امکان تحقق یابند. بعنوان مثال این راهکارها عبارت بود از: زنان با شرکت خود در جنبش توده ای توانستند خواستهای مدنی و حقوقی اشان را به این جنبش علیه دیکتاتوری نظام حاکم در جهت تغییر ساختارسیاسی که آزادی را بدنبال دارد ربط دهند. بازده این حرکت زمینه را برای استراتژی چپ در جنبش زنان فراهم نمود، در عین حال توانست امکانی در اختیار پیشروان جنبش زنان قرار دهد تا در سیاست های تا کنونی خود تجدید نظر نمایند و مسیر تازه ای در پیش گیرند. در چنین شرایطی کمپین یک میلیون امضاء که سیاستهای مشی لیبرالی را بدنبال میکرد، در مقابل مبارزه رادیکال زنان قد علم کرد و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی به حمایت از جناح اقتدارگرایان پرداخت.

این درجه پتانسیل از مبارزه زنان نشان داد که بطور روتین در مقابل سرکوبهای استبداد حاکم قد علم نموده اند، و از طرف دیگر تلاش نمودند با گرایش لیبرالی حاکم که قصد مهار کردن حرکتها را داشت، به مبارزه برخاسته و برآن فائق آیند. حرکت فعال زنان بنا به ماهیت انقلابی بودنش توانسته در بسیاری از موارد در مقابل تلاشهای اصلاح طلبان که می خواستند از این جنبش به عنوان ابزاری برای به قدرت رسیدن خود یا حفظ قدرت رژیم اسلامی استفاده نمایند، و یا مانعی بشوند بر سر راه انقلابی شدن آنها، بایستد. این حرکت با یک جهت گیری سیاسی درست بمتابیه یک نیروی اجتماعی بر علیه قوانین سرکوبگرانه زن ستیز جمهوری اسلامی و سلب حقوق فردی و اجتماعی زنان به مبارزه برخاسته است. و بطور پیگیر و مداوم در اعتراضات روزمره اش ملاک و معیارهای قوانین زن ستیزی را زیر پا گذاشته و بر این تلاش بوده که ارزشهای مترقی اجتماعی را به جای آن جایگزین نماید.

البته خانم مسیح علی نژاد باید از این قضیه آگاه باشند که در جنبش زنان استقبال از سیاستهای به اصطلاح "یاری گرفتن" از امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا، یک پدیده جدیدی نیست که ایشان به آن متوسل شده اند، بلکه در دوران اصلاح طلبان هم برخی از کنشگران جریان "کمپین یک میلیون امضاء" به بدنبال این آلترناتیو بودند، بطوریکه اعلام کردند: "آزادی" را هر که بیاورد خوش است! و چشمشان را به مداخله نظامی آمریکا در ایران در آن دوره دوخته بودند. که با نهایت شرمزدگی موفق نشدند، باید به شما یادآوری نمود آزموده را آزمودن خطا است!

سوال از خانم علی نژاد این است که، فرض کنیم حتی گرایش لیبرالی در جنبش زنان فعال شود و بدرجه ای هم نفوذ بدست آورند، چه راهی پیش پای جنبش زنان می گذارند؟ چه استراتژی سیاسی ای را تبلیغ می کنند؟ نهایتاً به اینجا خواهند رسید که بعنوان نیروی بازدارنده حرکتهای رادیکال زنان را مهار نموده تا فراتر از اصلاحات آرام مدنی پیش نروند، مبادا موجودیت نظام سرمایه داری بخطر بیافتد. خط مشی اتخاذ شده ای که علی نژاد با یاریگیری از امپریالیستها در نظر دارد بر این مبنا است که شرایط دستیابی به حقوق مدنی برابر برای زنان را جدا از تغییر دادن بنیان های سیاسی و اقتصادی مد نظر دارد و در کل حتی به آزادی بیان و عقیده و تشکل آن را بی ربط میدانند. این خط مشی شیوه های مبارزه که تغییر ایجاد کند و به انقلاب ختم شود را مردود می شمارد. مردم باید با آراء خود و از طریق مسالمت آمیز بتوانند سیستمی را کنار بگذارند نه از طریق دگرگون کردن بنیانهای اقتصادی که قطعاً با خشونت همراه باشد. باید تاکید کرد که جنبش زنان پتانسیل تحول در مبارزات اجتماعی و مدنی را دارد. مدعیان این خط مشی ظاهراً مخالف خشونت هستند. اما در فعالیت های روزمره اشان با دستگاه قضایی و جزایی استبداد مستقیماً روبرو اند و برای کوچکترین حرکتی در معرض دستگیری و زندان و پرداخت وثیقه های سنگین میباشند و عملاً با خشونت درگیر اند، آنها شاهد پتانسیل در حرکتهای زنان و تحولاتی در

مبارزات اجتماعی و مدنی اند اما برای این که زنان و مردان به یک حقوق مدنی یکسان برسند، نیازی دائمی و پیوسته به آزادی عقیده و بیان و تجمع و متشکل شدن نمی بینند. چنین نظرات و خط مشی برای دوره ایی توانست سطح مبارزه و فرهنگ سیاسی و اجتماعی در جنبش زنان را تقلیل دهد، از رشد رو به جلو این جنبش بکاهد و آن را فرسنگها از عرصه مبارزه واقعی دور نماید. اینها مشخصاتی از یک جامعه مدنی برای زنان است که خانم مسیح علی نژاد می خواهد برای زنان و اقلیتهای مذهبی به ارمغان بیاورد.

بیرون آمدن خانم مسیح علی نژاد از جعبه جادویی امپریالیستها در شرایطی صورت میگیرد که در ایران جنبشهای اجتماعی با مبارزات هر روزه رژیم جمهوری اسلامی را به چالش کشیده اند. این سناریو چند سال قبل هم در جنبش کارگری از طریق امپریالیستها و خودفروخته هایی که به نوعی دست در جنبش کارگری داشتند اتفاق افتاد. آنهم به صحنه آوردن منصور اسانلو برای نفوذ در جنبش کارگری و به انحراف کشیدن آن بود. ماجرا دقیقاً به این شکل بود، بر خلاف خانم مسیح علی نژاد که مقدمات سفرشان به خارج کشور پیشتر آماده شد بود، سفر آقای اسانلو از قبل در داخل کشور سازماندهی شد و با طرح و نقشه و در خدمت به امپریالیستها از کشور خارج شد. همانطور که خانم علی نژاد سر از دیدار با وزیر امور خارجه امریکا پمپئو و رضا پهلوی در آورد، دقیقاً آقای اسانلو هم سر از تلویزیون "اندیشه" که اجرای آن در دست سلطنت طلبان است در آورد. در طی اجرای برنامه مصاحبه با اسانلو و مطرح کردن کمک مالی، ناگهان آقای نادر دورمانی مالک و صاحب تلویزیون "اندیشه" مبلغ یکصد هزار دلار پیشنهاد کمک مالی به اسانلو نمودند. جایگاهی که اسانلو در آن قرار گرفته بود دقیقاً سر سازش طبقاتی و پول گرفتن از امپریالیستها بود، نفوذ در جنبش کارگری و سازش دادن این جنبش با سرمایه داری. افشاگری که آنزمان از جانب جریانات داخل و خارج به این مسئله بدرستی انجام شد، بر سر خط سیاسی و نظرات سیاسی اسانلو نبود بلکه دقیقاً بر سر خود فروختگی او به سرمایه داری و به عنوان مهره انتخاب شده امپریالیستها برای پیشبرد مقاصد شومشان در جنبش کارگری بود.

سرسپردگی اسانلو به بورژوازی برای فریب دادن کارگران و به انحراف کشاندن طبقه کارگر و ایجاد اختلاف در جنبش کارگری بود. اسانلو تمام حرکت های فریب کارانه و سازشکارانه خود را در برنامه تلویزیون "اندیشه" در یک جمله خلاصه کرد و آن جمله این بود: اسانلو در مقابل صد هزار دلار اعلام شده که قرار شد پرداخت شود، گفت: "انسانیت حتی فراتر از نگاه های بسته طبقاتی می تواند عمل کند." برای اسانلو انسانیت در سازش طبقاتی معنی پیدا می کرد، نگاه بسته طبقاتی از دیدگاه ایشان یعنی خلع سلاح طبقه کارگر از مبارزه طبقاتی و سوق دادن به دامن امپریالیستها. اسانلو با بیشر می تمام بیراهه ایی را که خود انتخاب نموده بود، می خواست جنبشی را به آن راه هم سوق دهد.

بنابر این وقتی که می بینیم رسانه های دست نشانده امپریالیستها از عناصری همچون اسانلو در جنبش کارگری استفاده نمودند. بر این هدف بودند که مبارزات کارگری را به کجراه بکشانند، یا در مورد سرکوب جنبش کارگری و فشار بر رهبران و فعالین این جنبش ابراز نگرانی می کردند و می کنند، باید با اطمینان خاطر بگویم که روی جنبش کارگری حساب باز کرده بودند. این مساله، حداقل نشان داد بورژوازی جنبش کارگری را در سطح و مرحله ای می بیند که به نفوذ در آن، و یا مهار آن، بطور جدی فکر میکند و آن را جزء اولویتهایش قرار داده است.

امروز دقیقاً این ماجرا در جنبش زنان دارد اتفاق می افتد، بورژوازی جهانی با طرح و نقشه و انتخاب مهره هایی همچون مسیح علی نژاد می خواهد در جنبش زنان نفوذ کرده و آن را از بستر مبارزه طبقاتی منحرف نموده و به بیراهه بکشاند.

به علت تسلط نظام سرمایه داری جهانی بر کل دنیا و در اختیار داشتن مدیا و رسانه ها و در خدمت گرفتن ایدئولوگ ها و عناصر خود فروخته در خدمت به جنبشهای اجتماعی بر این تلاش اند که جامعه با ایده ها و باورها و دورنماهایی که منافع سرمایه را پاس بدارد پیش رود، بهمین دلیل دست و بال بورژوازی در عوامفریبی و آلترناتیو سازی باز است. بحث بر سر اینست که ما با بورژوازی و طرحهایی طرف هستیم دارای استراتژی معین و تاکتیک های مناسب برای آن استراتژی است. بورژوازی جهانی به دنبال هدف های سیاسی و اقتصادی بزرگتر و درازمدت ترند. تمام تلاش آنها بر این است که اوضاع سیاسی را به نفع خود تغییر دهند.

حال باید بررسی نمود، چرا امپریالیستها بفرآیند آزادی در جنبشهای اجتماعی بطور مشخص در مقطع کنونی در جنبش زنان هستند. جنبش زنان همانطور که در بالا توضیح داده شد ترفندهای و توطئه های اصلاح طلبان را بعنوان یک عامل بازدارنده مبارزاتی در دوره های قبل خنثی نمود. مبارزه جنبشهای اجتماعی، که جنبش زنان هم همیشه نقش مهمی در این مبارزه داشته، بقوت خود باقی و ادامه دارد. در دیماه سال گذشته، مبارزات سراسری مردم در شکل یک خیزش مردمی که در صد شهر ایران بطور هماهنگ بمدت چند روز اتفاق افتاد، زنان بعنوان نیمی از جمعیت نقش پر اهمیتی را در این خیزش ایفاء نمودند. توده های مردمی در برگیرنده این خیزش کل نظام دیکتاتوری حاکم را بدون توهم به جناحهای درون حاکمیت به چالش کشیدند و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی شدند. این حرکت عظیم فضای رعب و وحشت جامعه را بطور واقعی شکست، و زمینه را برای هم صدایی و اتحاد بیشتر فراهم آورد. در چند ماه گذشته در شرایطی که میلیونها توده کارگر و زحمتکش در پی سقوط ارزش ریال با تورم و گرانی سر سام آور روبرو شده اند و با فقر و فلاکت برای امرارمعاش روزانه دست و پنجه نرم می کنند، اعتراضات و اعتصابات کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رو به افزایش است. در این میان اعتصابات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و کامیون رانان بطور چشمگیری در جامعه با اتحاد و همبستگی با دیگر جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش زنان و دانشجویی، معلمان، بازنشستگان و..... حقانیت مبارزاتی خود را نشان دادند. کارگران نیشکر هفت تپه طی یک سازمانیابی قوی با سر دادن شعار " نان، کار، آزادی و خود مدیریتی شورانی" آلترناتیو آینده جامعه ایران را ارائه دادند. در مدت بسیار کمی بخش زیادی از جنبشهای اجتماعی از جمله: خانواده های کارگری و زنان کارگر نیشکر هفت تپه حول این شعار متشکل شدند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در حالیکه از ادامه این اعتراضات بوحشت افتاده بود شروع به تفرقه افکنی بین کارگران و دستگیری و زندانی نمودن پیشروان این حرکت نمود. گرچه فعالین کارگری این حرکت همچون اسماعیل بخشی و تعداد دیگری از کارگران در زندان بسر میبرند و طی شدیدترین فشارها برای انکار شکنجه و عذر خواهی از جنایتکاران و شکنجه گران جمهوری اسلامی هستند، رژیم توانست این حرکت را با تهدید و فشار و سرکوب بدرجه ایی به عقب نشینی وادارد اما با تورم بیش از ۷۰ درصد، گرانی و افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصد اجناس نسبت به سال گذشته هیچ تضمینی وجود ندارد که در سطح بسیار وسیعی جنبشهای اجتماعی به رهبری جنبش کارگری به میدان بیایند و جمهوری اسلامی را به زباله دان تاریخ بفرستند، همانگونه که محدرضاشاه پهلوی را فرستادند. امروزه مسیح علی نژاد با پشتیبانی امپریالیستها و ترتیب دادن مصاحبه با رضا پهلوی این هدف را دنبال میکنند بلکه یکبار دیگر فرزند محمد رضاشاه شانس خود را امتحان کند و آلترناتیو آینده جامعه ایران باشد.

تمام این آلترناتیو سازیها از ترس این است که بار دیگر انقلابی در ایران صورت نگیرد، و امپریالیستها در این تلاشند که با هر توطئه و حيله ایی شده از چهره سازیهای امپریالیستی در رابطه با جنبشهای اجتماعی، همچون اسانلو آلترناتیو امپریالیستی جنبش کارگری، مسیح علی نژاد جنبش زنان و عبدالله مهدی جنبش رفع ستم ملی استفاده نمایند.

امروزه جنبش زنان بر این واقف است که تحقق خواسته هایش در گرو تغییرات سیاسی و اجتماعی ای است که عملی شدن آن تنها در اتحاد با جنبش کارگری امکانپذیر خواهد بود. با حرکتهایی که در جامعه ایران شکل گرفته چنین برآمدی از جنبش کارگری بر حرکتهای زنان تاثیر گذاشته و توانسته به میزانی اتحاد و همبستگی را بوجود بیاورد. با اتکاء به این مکانیزمهای از پایین و دخالتگری و فعالیت کارگران و فعالین سوسیالیست برای شکل دادن جنبش زنان بر بستر یک مبارزه انقلابی و اتحاد با جنبش کارگری است که می تواند تضمین کننده حقوق مدنی و آزادیهای دمکراتیک زنان باشد، که پیش شرطها و زمینه آن آماده است، نه نقش آلترناتیو سازیهای امثال مسیح علی نژاد به حمایت از مزدوران امپریالیسم آمریکا.

خانم مسیح علی نژاد استراتژی امپریالیسم آمریکا و سلطنت طلبان با استفاده از شما بعنوان مهره مورد نظرشان در ملاقاتهایی که صورت گرفته بجز بردگی بیشتر برای زنان، آزادی برای آنها به ارمان نخواهد آورد. این چراغ سبز دادن به امپریالیستها در قالب یک نگرش مخرب در بین بسیاری از سخنگویان جریاناتی که زمانی منتسب به کمپین یک میلیون امضاء و بعدها منتسب به "جنبش سبز" بودند را دیدیم. این حضرات که یک بخش از حرکت زنان را شامل می شدند مشغله اشان این بود که تحولات انقلابی روی نهد و سرو کله طبقه کارگر و چپ در این اوضاع پیدا نشود. و امروز هم با علم کردن افرادی خود فروخته ایی مانند شما در قالب آلترناتیو جنبش زنان شاهد دوباره این ماجرا هستیم، همه نگرانی

امپریالیستها این است که در شرایط فعلی که جامعه ایران در حال تغییر و تحولات و شکلگیری جنبشهای اجتماعی از پائین است منجر به انقلاب دیگری نشود که توده های میلیونی خود بدور از توطئه های امپریالیستی سرنوشت خود را رقم بزنند.

به ثمر رسیدن خواستهای مدنی و سیاسی زنان که شما مدعی حل آن از طریق ترامپ فاشیست ضد زن و ضد بشر و سیاستهای بورژوازی جهانی هستی تحقق نخواهد یافت. این آزادیها در گرو این است که در ساختار اقتصادی جامعه ایران تغییر و تحولاتی انجام گیرد، این هم کار جنبش سوسیالیستی است، جنبش زنان فقط با متحد شدن با جنبش کارگری می تواند به استراتژی سوسیالیستی دست یافته، و رهایی کامل خود را از چنگ نظام سرمایه داری تضمین نماید. جنبش زنان و زنان کارگر نیشکر هفت تپه در پیوند با جنبش کارگری این را بطور عینی در یک مبارزه طبقاتی نشان دادند.

مارچ ۲۰۱۹